

نداء خلق

پنجشنبه ۹ جوزای ۱۳۳۰

سال اول

شماره هجدهم

نو یسنده جناب محترم مولینا
فضل ربی عضو جمعیت المسلمین
(۴)

سنت و بدعت

یعنی عمران بن حصین روایت میکند که فرمود رسول (ص) بهترین مردمان امت من قرن من است و بعد از آن کسانی اند که بایشان نزدیک اند و بعد از آن کسانی اند که بایشان قریب اند و بعد از این قرون ثلاثه مردمانی خواهند بود که گواهی خواهند داد و حالا که از ایشان هیچ کس گواهی نخواسته و خیانت خواهند کرد و کسی ایشان را امانت ندارد نخواهد داشت و نذر خواهند کرد و آن را ایضا نخواهند کرد و ظاهر خواهد شد بایشان چاقی و در یک روایت مسلم است که چاقی را دوست خواهند داشت و خلاف سنت رسول بدعت ها جای می کنند - باید درین زمانه ها روایح سنت را احترام نمایند چنانچه در حدیث شریف است (عن ابن عباس عن النبی ص قال من تمسك بمسئتي عند فساد امتی و له اجر مائة شهید رواه بیهقی) یعنی رسول ص فرموده کسیکه تمسك کند بمسئمت در وقت فساد امت پس برای او اجر صد شهید است - کذا به نسبت بدعت فرمان رسول ص را بگو شر هو فریضو ید (عن عائشه رضی الله عنها قالت قال رسول الله ص من أحدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهو رذو فی روایت من عمله عملا لیس علیه امرنا فهو رذو متفق علیه) یعنی مسلم از حضرت عائشه روایت میکند که هر که نوپیدا کرد در دین ما چیزی را که نیست در دین ما پس آن مردود است و در دیگر روایت کسیکه عمل کرد کاری را که نیست بر آن امر ما پس آن عمل مردود است - درین جا حدیث دیگر مذکور است که تو به صاحب بدعت تا زمانی که بدعت را ترك نکند مقبول نیست در حدیث دیگر از ابن ماجه مذکور است که خدا قبول نمی کند روزه - حج و عمره و جهاد و تسبیح و عدل صاحب بدعت را (الحديث) این است انذا رسول در خصوص صاحب بدعت (بقیه در امتی)

حقوق و کلاء در شورا ملی

شورای ملی مقام حاکمیت ملت و بزرگترین قوه قانونی در مملکت بوده و مقدرات مردم بدست شورا بوده و اساسا امروز فردا شورای ملی مسئول همه بدبختیهای خلق حساب میشود - و کلا ی ملت که در اثر انتخابات آزاد و قانونی (که تاکنون هنوز در مملکت ما تصمیم نیافته و صرف پس از سالها در انتخابات گذشته در مرکز مملکت صورت گرفته) انتخاب میشوند تنها قوه قانون گذاری را بدست داشته و بلکه قوه اجراییه را هم بدست گرفته و یک کابینه مسئول بمقابل خلق را تشکیل مینمایند - پس نمایندگان ملت از یکطرف حق دارند برای سعادت و راحت مردم قوانین درستی ساختن و تطبیق قوانین را در مملکت مراعات نموده - قوانینی را که ملت از آن شاکی باشند حذف و اصلاح کرده - بودجه مملکت یعنی پولی که خلق بدولت میپردازند و مصارف دولت را تدقیق - اصلاح و تعدیل نموده و قانون بودجه و قانون تشکیلات اساسی را (که مع الاسف ما تاکنون نداریم) در مورد بودجه تطبیق نموده و از حق حاکمیت مردم در مقابل دولت نمایندگی مینمایند - یعنی توده ملت که به اساس قانون - محصول و مالیات بدولت میپردازد حق دارد که تا آخرین حبه و دینار بحساب خود توسط نمایندگان خویش واریس کرده و مطمئن گردد که پولی را که بدولت پرداخته است در راه سعادت و راحت آن صرف نمیکرد - کذا در اجراءات کابینه وزراء نیز رسیدگی کرده و خلق را از تمام جریانات شو را و کابینه توسط - نشرات مخصوصه و یا نشرات عمومی مملکت مثل اخبارهای رسمی و ملی و را دیو آگاه ساختن و کسانی را که خدمت می نمایند تقدیر و مشور لاین را طرد و محاکمه نموده و خلاصه و کلا ی ملت مثل قوه حاکمیت ملت بوده و قوه اجراییه و

بقیه در ص ۴

در شماره آتی منتظر: ۱ - توضیح مادر خصوص اعلامیه حقوق بشر و دوم مقال جناب محترم مولوی فضل قادر خان در مورد انتباه خلق در اطراف موی مبارک یا شید

بقیه تنقید آتای معترجم مصومی بر قانون مطبوعات
 ماده ۱۴ چنین ادامه می یابد (و هم در آن مدت
 برایش اجازه نشریات داده نمیشود اگر نوشتهجات
 آن عملاً باعث اخلاص امنیت گردد مطابق اصول
 موضوع مجازات میگردد اگر این نشریات بصورت
 و یا رساله و یا خطابه یا شد جزای فوق بنا شر و
 نگارنده و مترجم و ناطق داده میشود) از مطالب
 قسمت اخیر این ماده چنین بر می آید که اول نشریات
 که توسط رسم - فو تو گرافی - رادیو و سینما و غیره
 و سایر نشریات بر خلاف امنیت و رژیم و وحدت ملی
 صورت میگیرد از مجازات معاف میباشند - دوم - جزای یک
 به بنا شر و نگارنده و ناطق و مترجم داده میشود -
 و واضح نمیشود اگر چه برای این اشخاص جهت عنوان
 (جزای فوق) یک نوع جزا معین شده است ولی چون
 دو جزا که یکی عایدات چارماهی و حبس از ۶ ماه الی
 ۵ سال و دیگر (مجازات مطابق اصول موضوعه) -
 میباشند هر دو تحت عنوان جزای فوق شامل شده و
 نمیتوان پخو بی تشخیص کرد که از جمله این دو جزا
 کدام آن در مورد بنا شر و نگارنده و ناطق و مترجم
 قابل تطبیق است - اگر جزای اول در مورد این
 اشخاص تطبیق شود معنی آن این است که نشریات این
 ها و لو عملاً باعث اخلاص امنیت نباشد از (مجازات)
 مطابق اصول موضوعه (معاف میباشند و اگر بحیث -
 جزای فوق برای بنا شر نگارنده و ناطق و مترجم مطابق
 اصول موضوعه مجازات داده شود درین صورت جزای
 شان نسبت به مدیر مسئول و نگارنده شدید تر میگردد که
 این نیز از عدالت دور خواهد بود.

۱۱ - از قسمت اخیر ماده ۱۷ که بمبارت ذیل (در
 صورت خلاف ورزی روزنامه الی سه ماه و مجله الی
 ۶ ماه توقیف میشود) مشکل است معنی تعطیل روزنامه
 و مجله فهمیده شود.

۱۲ - ماده ۲۱ اصولنامه صریحاً بلکه بصورت ضمنی
 از حق اعتقاد بحث میکند ولی با ذکر چنان کلمات -
 الا ستمی که نمیتوان در تطبیقات برای آن بسبوت -
 مقیاسی سراغ کرد زیرا مقید بودن اعتقاد در داخل
 چو کات علم و ادب - عفت و نداشت قلم و موضوع -
 اساسی اعتقاد باعث تردد نشر افکار شده و در تطبیقات
 نیز موجب مشکلات است (بقیه در امتی)

قانون مکافات و مجازات

خواننده گرامی همین که این عنوان را تویک خواند بر صفحه
 کاغذ نقش میکشد بلا درنگ اندیشه در ذهن خط میبرد که
 آیا قانونی بنام قانون جزا و مکافات در محیط ما وجود
 دارد یا خیر؟ اگر دارد آیا قوه مجریه در تمیز مجرم
 و تعیین جزا و تطبیق آن چه طریقی می بیند؟ و تکیه
 درین اندیشه غرق بودم طرز و فشار برخی از حکام و مایه
 حقیقت ملتفت ساخت که قضیه معکوس بوده و مجرم و
 مکافات و خادم را جزا میدهند - ما از سالیان مدیدی
 با بی طرف میگویم که افراد یا یافتن این کلبه کامیابی
 نود بیستهای ترقی را بصورت برق آسانی با لا رفته و رسا
 آن نقطه صدور کرده اند که شاید فضای پیشروی برای
 (جزای فوق) یک نوع جزا معین شده است ولی چون
 در سایه اهدال از تطبیق قانون مجرم مکافات
 دیده و امثله درخشان بدست داریم مگر اکثر مجرمین
 در پهلوی هر امری قانون مکافات و مجازات گنجانده
 شود - بشر ازین بهر خائن و ناپاک موقع داده نشود
 که با وجود استحقاق مجازات نایل بمکافات شود و با
 هر جرم یک رتبه با لا ترقی کند و هر جرم را از مرتب آن
 خدمت - فضیلت - لیاقت و کار دانی او بداند نیم ره
 جاه و جلالش بیفزائیم.

درست است که عفو و ترحم از اخلاص خجسته بشر میباشد
 ولی چشم پوشی مسامحه و ترحم در مورد افراد خائن
 و مجرم ظلم و ستمکاری بر بیگایان و بیچارگان است و
 این رویه دیر با زود نظام اجتماعی را مختل میسازد
 فرضاً اگر دست حاکمی پس از شکنجه یک توده از کار
 کشیده شود ظلم صریح بوده و تقرر دو یا سه آن پس از
 چند روز جرم بزرگتر است اینکه اگر ما موری در ما موریت خود
 مرتکب جرم و خیانت شود با لای سوا بق آن خط مطلقان
 کشیده شده و برگشته او بدیده کمان تگریم بیمه التي

است اگر جوانی امتحان را جوانی - بی کفایتی و بی
 علاقی را بملک و ملت میدهد آن را بکاری مهمتری باز
 آوردن سهو دیگری است - از تدابیر اجتماعی دور است
 اگر همچنان مردمان نا بکاری را فرصت مهیا شود که
 خود را برای ارتکاب جرائم بزرگتری جوی و مستعد سازند
 حاشا و کلا ۰۰۰ با بست بعد ازین امری را بهجاری
 بقیه در ص ۳

بقید قانون ..

قانونی ان تطبیق کنیم مجرم را مجرم و خطای ان مجازات
نمائیم ... نیکو کار و صادق را پیکافات تشویق و بنوازم
باید جدا فها نموده شود که مجرم و عقیف بعد ازین مسا
سان حمایت نشده و برتبه های که ابداء اوقات آن و انداز
بخند مات تا کرده ابداء نایل نمیکردند ... حقیقتا راز ...
سمادت جوامع در همین قانون مکافات و مجازات مضمر است
تساوی حق و ...
خبر های آژانس ششدرک -

ششدرک بیچاره در هر مژده یالک یالک زده دست یکجا
و پناه به دگه جا و انگشته ره دگه جا و پنهانرا ام دگه جسامی
میراند ... از کفایت و لیاقتش همین پس که مدام پناهمای
کفیل و وکیل تا شب و قاشم مقامو جا نشین یاد میشه ...
چنین ابلاغ میدارد - جشن اطفال با همه شکوه پنا یا زن
یا زن ... توتیا ت عیده پر گذار شد و اطفال لیکه در نظرسر
بود صاحب امتیاز و جا یزه شدند اما بوا سطه قیمتی
تکت و تا داری خلق از تمام نفوس کابل تقریبا دو هزار و
نفر اگر دو منطقه جشن داخل شده باشند ...
مذوریت وقوعی - جناب رئیس طاحب مستقل زراعت را
فملا از اظهار جوابات و توضیحاتی که نشر ان را وعده
نموده بودیم مصاف داشت ... هنوز استمفا تا به هسای
اقایان وزیر اقتصاد ملی و وزیر مصارف سابق پاداره ندا خلق
تر سیده علا و تا شاعلی تره کی رئیس سابق مطبوعات
نیز که در روز وداع خود ااشا و تا در محضو نویسنده گان در
موردا استمفا ی خود سخنرانی نموده بودند اصل استمفا
نامه شان را چون نشر نموده اند شاید بمایفر ستند ...
منتظر باشید ا

بحواله مرا که خبر گدای جارسو و جهل تن دوین تنگی
حیات که راه گریز هم از گیر يك مشت خورج اطفال
لج و برهنه برای قبله گاه صاحب نیست بر تمل و بوره
باز میانی افزوده اند و این ازدیاد قیمت در زندگی عامه
بنا بر افزودی مصا شرما مورین دولت است ... رجب خان از
حالا بنا بر مجبوری در لا برا توار خود مشغول استخراج
شیرینی از خاک است -

ع شمس ع عبد الا احد خان فرفه مشرور بود اخله از چندی است
وارد کابل شیده اما هنوز بکار شروع نموده اند ... آژانس
بیدرک ما بی افزاید که جناب شان بوا سطه تطبیق

پیشنهادهای از قبیل اختیار را ت تاسه - رای اعتماد
شو را و حفظ و تبه عسکری شان فعلا با وضع موجود
معدرت خواسته اند خدا کند کامیاب شوند ...
تشکیلات و تحولاتی جهت پیشرفت و انکشاف سپهر
در وطن عزیز برپا است اولهیک رویکار است اما واضح
نشد ... درین قسمت از افکار کدام دیشه متخصصین -
سپهرت استمفا ده بمملی اید قرار معلوم حتی شاعلی
"بیغم" یگانه مشخص سپهرت کشور نیز ازین جویا تا
پیشتر است ...

دوای خلق
بشنو عزیز من سخنی از نداء خلق
یعنی بگم گوشه شور و نروای خلق
از حق مرنج گوچه برات نشان بود
تلخی بکسر ز دهر که گردی درای خلق
آنکس که عیب خلق نهان میکند ز خلق
یالک که تیشه میزند اندر بنای خلق
جنیش فگنده در دل پیرو جوان ملک
صاحب اثر شده است فغان رسای خلق
صد شکر با ز شکر که در گو شر شاه ما
ایفک رسیدنی است صدای گدای خلق
گر نیست دست آنکه بچینی ز راه خسار
خود را مصا ز خار ستم پیشروای خلق
خود خواه و خود پرست و زارت طلب بها د
آنکس که میزند سخن از اعتدالی خلق
شاگرد خصم که نه سیاست به پشت در
بنگر که آمده است برای فتای خلق
بر خیز تا بنو ك قلم تیغ بر کشیم
بگذار تا بلند بگردد "نداء خلق"

در زوای تاریخ کشور :

گویند حسین تسلط "شیبا نیما" در هوات - عبد الرحیم
"صدر" را (تقریبا مصا دل و زیر اوقت) در اخادی
و رشوت چنان افراط بود که اگر عزیزی در ساعه
صبح او را به ده هزار تنگ خدمت میکرد و رشو تسلیم
نمیکرد - برای عضو خوا مو شش شده و از هو ضوع انکار
میکرد ... بیچاره رشو داده مجبور جهت نمحا فظت از
نوا بوشکاری همان مبلغ را بقید سبت و رسیدن و باره مس
پرداخت ...

بقید سر مقاله

خوانندگان خلی

شاغلی محترم "الف"

د چا کله منی

هر څه کوی پخپله خوښه د چا کله منی

زلمیه ستا که نه منی د پودا کله منی

د نوی عصر که هېڅ نه منی او هېڅ نکوی

زوی خبری د بابا و دادا کله منی

خپل فکر ښه گڼی له خپلی رای نه تیریز

اقتضات دده قضاوتون د شورا کله منی

خپله آرزو چه ورته هر څه وایی کړی همنی

د عقل فکر او د علم فتوا کله منی

د قام کمبلی او شوی سره پښی غزول

که هر څه و منی دا ورته وینا کله منی

که په رشوت وی که په غلا که په تکی او په چل

چرگان لویو چی درنه غواړی ښورو کله منی

چه دعوت و ورکړه د حق او عدالت په لوری

دغه پنا ک نفسه دعوتو نه د چا کله منی

که دعوا له زور و راو دولت مند سره شوه

غریبه خوشی ورته مه ژاړه ستا کله منی

چه هر څه و وایی او هر څه قسم نه و کړی

د تن پرون و عدی سبا بل سبا کله منی

ما ورته ویلی دتیا وایی چه قلم آزاد دی

ده وی د عزیمت خاوندان دتیا کله منی

زه ورته شپه وایم ته وړج او دی پوه نه منی

و قیبه زه چه زو دگ ستا او زما کله منی

عرض احترامو شکران

ما به نمایندگی از ملت بجناب سینور و متوجی و سایر

کارکنان را دیوی ایطا لیا که احساسات سیاسی و ملی

در موقع جشن استقلال نسبت به ملت افغانستان

ابراز داشته اند عرض شکران و احترام تقدیم و

تعالی و ارتقای ملت دوست ما ایطالیا را در خواست

می نمائیم - کذا احترامات و تشکرات خود را به ملت -

دوست و شرفی خویش (هند) و کارکنان را دیوهند

نظر به نشرات فوق الماده شان در جشن استقلال

تقدیم و امیدواریم ملت هند به ما مجاهدات اشخاص

ملی خود را کامیاب و مسعود بدارد.

مطبعه - گستر نو نداء خلق - کابل

حتی قوه قضائیه با استقلال نسبی که دارند در مقابل

شورای ملی یا نمایندگان خلق مسئول بوده و باین صورت

گویا خلق با کمال اطمینان مشا هده میکنند که تمام امور

حیاتی شان بکف اقتدار نمایندگان شان بوده و گذا

خلق توسط جرایم ازاد افکار و عقاید و تنقیدات خود

را را جمع بشورای ملی - کابینه وزراء و سایر ارکان و -

اجزای دولت ازاداند اظهار آنها را در خط حرکت

شان راه نمایی میکنند - درین جا سوالی پیدا میشود

که ما و شورای ملی ما برای خلق چه کرده ایم؟ مادر حین

شرح جویات شورا باین سوال جواب داده ولی مختصراً

میتوانیم بگوئیم که ما مع الاسف نظر بمشورای در مقابل

خلق مسئول بوده و تقریباً هیچ نکرده ایم - اما این

حق مردم است که در انتخابات آینده آزادی کامل -

انتخابات را در تمام مملکت با ساین قانون انتخابات

درستی از شورای ملی و دولت تقاضا نمایندگان صحیح و

طرف اعتماد خود را انتخاب نمایند تا حقوق شان -

محفوظ مانده و حاکمیت حقیقی ملی در شورا برقرار و راحت

و سعادت خلق تامین و خانه دلهای مردم آباد گردد.

و نه ...

گو بودا در دیاری خانه دلهای خراب

کاخ و قصر و کز و ایوان دنیا رزد به هیچ

(محمودی)

نامه های وارده - محترمه قدسیه مصلحه موسسه نسوان

مینو یسند که بشاه شهید علیه الرحمه خانه داشته و از

خرج گیری دروازه لاهوری ببتنگ آمده و از بلدی که بل

و ریاست گمرک اجازه نجات میخواهند - علت انزجار -

خویش را از دحام نفر و از ۷ صبح الی ۶ عصر موجودیت

چند نفر پو لیس و مامورین مربوطه و تنگی راه عبور و مرور

دانسته و سوال میکنند که آیا ان ها برای توقف موترها

هستند یا برای توقف زن ها و گذا از الفاظ زکیه و زشت

آن ها شکایت میکنند -

نداء خلق - آواز مصلحه موصوفه را بگو شهنارسانده

و متمسک به ریاست محترم بلدی که فرض خدمت برای

راحت خلق این باین کار توجه نماید.

حق نمک

س - باوج پرد و مخاکم نشاند و خونم ریخت

ندائیم انجمن آوا چه مدعا دارد؟

ج - با و پرد و بخاک نشاند و خون ریخت

هنوز حق نمک با تو کارها دارد